

بعداً برای خرید ماشین به تو بنویسم که چه مدلی را باید خرید. تحقیق کن یک فرد ۵۳ کروکی در حدود چه قیمتی است. پشت این کار را بگیر شاید به جایی برسیم. فاطمه برای من نوشته که از زمین تا به حال بیست و چهار یا چهارده هزار دلار منفعت برده. بحمدالله همگی سلامت هستند عکس دودی را برداشتم و با پست آینده خواهم فرستاد. تو چرا به آقای علاء برای کارهای خودت نمی نویسی. گناه تو چیست که در خدمت ما هستی. خودت شخصاً به علاء یا رئیس دفتر مخصوص بنویس که به عرض برسانند. یقیناً ایشان متوجه خواهند شد. از قول من به همگی سلام برسان و مخصوصاً به فخرالملوک بگو که آب و هوای خوب ما را به کلی از یاد تو برده که دیگر یک کلمه هم برایم نمی نویسی. از خداوند سلامتی و سعادت همگی و تو را خواستارم. احمد سلام مخصوص می رساند. [حسین] فردوست را می بینم و از اینکه اینجاست خیلی خوشحالم.

اشرف پهلوی

[۱۷-۳۲۳۵-۱۱۲ الف]

۹

۲۵ دسامبر

[علی] ایزدی عزیزم

چندین کاغذ تو تا به حال رسیده و از اینکه بحمدالله سلامتی خیلی خوشحالم. چند روز پیش صابری اظهار می کرد که از من اصلاً خبری ندارید. خیلی متعجب شدم چون که دو کاغذ به مادرم نوشتم چطور نرسیده؟ خیلی تعجب می کنم. در هر حال امیدوارم که همگی سلامت و خوش باشید. اگر از حال من بخواهی بحمدالله بد نیستم ولی اوضاع روحی که همان طور خراب است. ایزدی من هرچه به خواهرم و فاطمه و حتی مادرم می نویسم مثل اینکه کسی اعتنایی به حرفهای من نمی کند. این است که خواستم این موضوع را جداً تعقیب کنی ولی به شرط اینکه تو هم مثل سایرین فراموش نکنی. شوهر سیمین آتابای دو سه سال قبل از من مبلغ ۱۵ هزار دلار گرفت که به حساب برای من کار کند و عواید هنگفتی به من بدهد. از آن تاریخ تا به حال نه تنها دیناری عایدی به من نداده بلکه اصل موضوع مثل تمام کارهای دیگر من دارد از بین می رود. این است که می خواهم جداً این موضوع را تعقیب کنی و به او بگویی که اگر هم لازم باشد او را به محکمه خواهی برد. از قراری که شنیدم با این پول برای خودش کار کرده و تا به حال ۱۴

یا ۲۴ هزار دلار هم منفعت کرده. تو این موضوع را با فاطمه صحبت کن او خوب خبر دارد. یا این پول مرا که تا به حال فقط ۳ هزار دلار آن را پرداخته بدهد یا او را تعقیب خواهی کرد. شاهد هم زیاد دارم و این پول را من به اسم او در بانک خودش واریز کردم اگر نمی‌تواند یک جا بپردازد من حاضر هستم که به اقساط بپردازد. در هر صورت اگر حاضر شد تو فوراً با کمپانی کادیلاک صحبت می‌کنی و اگر بشود به اقساط برای من یک کادیلاک خریده و می‌فرستی و همینطور یک قایق موتوری مارک Cryo Craft هر دو این موضوع را فاطمه باخبر است با او صحبت کن و بین بهترین راه حل چیست.

اگر مادرم را موافق دیدی البته با ایشان صحبت کن بهتر است چون شاید ایشان بتوانند کاری کنند بلکه من بتوانم این پول را به یک نحوی دریاورم. اگر به اقساط هم بپردازد من حرفی ندارم. در اطراف کار و زندگیش به توسط شوهر فاطمه تحقیق کن. در هر صورت من از تو می‌خواهم که این موضوع را برای من هرچه زودتر روشن کرده و راه حلی پیدا کنی. من خودم بی‌اتومبیل و بدون دیناری پول اینجا ماندم و همین طور پولهای مرا این و آن می‌خورند. اگر بتوانی فعلاً یک کادیلاک بخری و به اسم من بفرستی حتی اگر به اقساط هم باشد خیلی خوب می‌شود. سلامتی و سعادت تو را از خداوند متعال خواستارم. از سلامتی مادرم و همگی زود به زود مرا آگاه کن. آدرس من این است.

| آدرس به کلمات لاتین؛ خوانده نشد. |

| اشرف پهلوی |

| ۱۸ - ۳۲۳۵ - ۱۱۲ الف |

۱۰

[۱۳۳۲]

آقای | امیر اسدالله | علم

قبل از هر چیز باید به شما تبریک بگویم که بالاخره بعد از دو سال سختی و بیچارگی در ظل عنایات پروردگار روزگار سیاه ما روشن و امیدوارم که تحت توجهات شاهنشاه محبوب ما روز به روز وضعیت کشور رو به بهبودی رفته و هیولای مرگی که بالای سر این آب و خاک سایه افکنده بود تا دنیا باقی است به دیار عدم رهسپار گردد. البته الان خیلی وضعیت مملکت بحرانی است و باید خیلی زحمت کشید تا این اوضاع را به حالت عادی برگرداند ولی من امیدوار و ضمیرم روشن است که خداوند پشت و پناه شاه است و به زودی به مشقات فائق و روزهای بهتری برای این مردم بیچاره در پیش خواهد بود. خیلی

خوشوقتم که شما دو مرتبه به دربار برگشته اید [چون شنیدم که خیال داشته اند] شما را وارد کابینه کنند و اعلیحضرت فرمودند من خودم به او احتیاج دارم. آقای علم شما را به خدا کارهای من را هرچه زودتر رو به راه کنید. دستور دادم که منزل شهری من را بفروشند. راجع به این موضوع باید با آقای اسدالله رشیدیان صحبت کنید چون ایشان مأمور این امر هستند. طلبهای من را از اداره املاک که با طلب اجاره نامه مبلغ ۶۰۰ هزار تومان می شود یک مرتبه پرداخته و به حساب من به بانک بازرگانی واریز کنید. ۲۰۰ هزار تومان نزد آقای ابوالقاسم امینی و دویست هزار تومان نزد آقای سودآور^۲ دارم که باید فوراً وصول و همه به بانک بازرگانی واریز شود. ماهیانه ۶ هزار دلار با ارز دولتی برای مخارج معالجه پسر و بچه ها و خودم با ارز دولتی مرتباً بفرستید به همان بانک سوئیس. با سودآور صحبت کنید که تلگرافاً به کارخانه مرسدس در آلمان دستور دهد که یک مرسدس مدل ۳۰۰ کروکی به من بدهند و ایشان قیمت آن را از بابت حساب من پردازند و قیمت آن را به من بگویند که چقدر است. منزل من را که در رهن بانک کشاورزی است خارج و در عوض املاک رشت را در گرو بگذارید که منزل شهری آزاد برای فروش بشود. املاک مازندران را متوجه باشید که مثل سال گذشته نشود.

بر علیه آقای نصرتیان باید فوراً اقامه دعوا بشود چون ایشان به عوض یک میلیون و دویست هزار تومان و دویست هزار تومان که دستی به ایشان دادم یک مقدار زمین به من دادند که بیش از ۳۰۰ هزار تومان ارزش ندارد و تمام قسمتهای خوب در غرب این املاک را به اسم پسرشان ثبت کردند. باید با ایشان صحبت بشود و این املاک را از ایشان پس بگیرید. با ننی آقایان صحبت کنید و حسابداری در خیاط خانه ایشان بگذارید که عواید آن نصف به ایشان و نصف به من متعلق است. در هر حال شما با آقای رشیدیان راجع به این کارهای من مذاکره کنید. چون ایشان را مأمور کردم که با شما تماس گرفته و وضعیت من را برای شما شرح دهند. کوکوی آقایان که مبلغ ۶ میلیون و نیم فرانک فرانسه به من بدهکار است الان در تهران است؛ با ایشان سخت مذاکره کنید که اگر این پول را نپردازد اسباب زحمت برای او فراهم خواهیم کرد. آقای علم شما فوراً برای من به آدرس [ناخوانا] کاغذ بفرستید. سلامتی و سعادت شما و بچه ها را از خداوند متعال خواستارم.

اشرف پهلوی

[۸-۵/۲۲۴۸]

۲. احمد سودآور مدیرعامل شرکت سهامی مریخ و رئیس هیئت مدیره شرکت اتومبیل خاور.

Hôtel d'Iéna

24 à 32, Avenue d'Iéna
4, Place d'Iéna
PARIS (16^e)

Téléphone :
KLÉBER 07-10
— et la suite —
Télégrammes :
OTELIÉNA - PARIS
R. C. Seine 68.753

کار علم

قبل از بر رفتن ما به بهشت آمدیم که بلا فرجه از کم سال
سستی و بیادگی در طول نماز است پروردگار روزگار ما
و روزگار ما را دیده و داریم که در کتب تو به رسالت است
حجبه است و روز بروز در صفت کتوب و در به بهر دی رفقه
در سیر لای مری که بالای سراسر آب و خاک ساید
انگشته و بد تا دنیا باقیست به یاد عدم بسیار گردد
ایه الان فیله و صحت سلامت بدان است و با به
فیله زحم کشته تا این اوقات سوس کجاست عادی
برگرداند دل من ایسه و ار و ضیم و در کجاست
که خداوند بهشت دنیا است و است و بهر دوای
بهشت است فانی و روزهای بهشتی بر اما این مردم
بسیار در پیش هوا به بود فیله خوشتر است که
شما در رتبه بهر بار بهر کشته چون ششم که

۲۱۵۸/۵

خیال داشته شامه وارد گارینه کته را بملجوف
 فرموده من مقدم بادا عیاج دارم. کار علم.
 شامه سبدا کارای من رو برید زدد ترود
 برا کله. دستر دارم که ننه ل شده من رو
 بزدتته راجه بر این سره (باید با آطای
 ریشه بان محبت کته چون این ن کاسه
 این اریسته. طبعها من رو از ادرار ملک
 که تا طبعها جاریه کاسه ببلغ ۶۰۰ هزار تومان
 مشردنگرته بردافته دسک ب بلیه به
 بنگ بازرگانی وارز کته. ۲۰۰ هزار
 تومان نزد کارا بواغاسم اینی ط ددست
 هزار تومان نزد کار سودا در دارم که باید
 فوراً و صول دهم به بنگ بازرگان داریز
 شو د. مایینه و هزار دلار با ارز

۲۲۴۸۶

Hôtel d'Iéna

24 à 32, Avenue d'Iéna
4, Place d'Iéna
PARIS (16^e)

Téléphone :
KLEBER 07-10
— et la suite —
Télégrammes :
OTEUÉNA - PARIS
R. C. Seine 88.753

مهرتو برای خارج صاحب پیر و بیو (دو مقدم با ارز
مهرتو برتو بنویسند . بهمان بکسر سرکس .
با سردار در صحبت کند که نگار آقا به کارخانه
مرسدس در ۱۹۲۲ در کتور در دهه که کبیر مرسدس
بهل هم که کمدکی به من به پند و اندیشه و طبع
آزاد را بابت ف ب من پیر دار زنده دست آرا
به من بگویند که چینه راست . متدل من رو کبیر
در رسی بانک و دزدی است خارج د در رسی
املاک است را در کتور نگار رید که نندل شهر
آزاد برای خودش بود . املاک با تر ترا
و سرف باینه که شش سال گذشته نشود .
بر علیه آقا یا نفرین باید ذرا آقا به دعوا
شهر دعوی این ن بوجنی کبیر بیون دعوی
بزار نموان و دوست بزار تر ، ن که

۲۲۴۸/۷

دست بی ن دادم یک سته ارزین بین داد که
 بیش از هجده هزار تومان ارزین دارد و نام
 کتکهای خوب در محراب این ملک به باسم
 بی ن ثبت کرد و در باره ن صحبت بود
 در این ملک بعد از این ن پس نگهید . با ن
 آقا یار صبیح لید و صاحب این در میان ن این ن
 کتبه ن این ن عواید آره نصف ~~صاحب~~ بی ن و لغت
 م سر مستقر است . در منزل شما آقا ن ●
 رنیه ن راجع به این کارها م مذاکره کنه
 چون این ن ره تا سر کوردم که با شما م
 گرفته ره صحبت م ره به م شرح دهنه
 گویند م این که بفع و سیرن دیم خراک
 فرانسه م به م به مکار است الان در طهران
 است با م ن سنت مذاکره کنه که اگر
 این پول بدست ن دارم در حساب زرع

بالاد اوزان خرابی کرد . تاریخ ش فروردین ۱۳۰۳
 Camen Hotel Manikery
 شاهدیه ا هزاره اد ن شمال خرابی در م . اشرف پهلوی
 ۲۲۵۸۱

[۱۳۳۲]

جناب آقای علم

امیدوارم که وجود عزیزتان سلامت باشد. چندین کاغذ متوالی فرستادم ولی از هیچ کس جوابی نداشتم. یک کاغذ از شما داشتم که در آن اظهار کرده بودید که اگر ممکن است کارهای خودم را به کس دیگری واگذار کنم. نفهمیدم دلیل این چه بود ولی از آنجایی که کس دیگر را جز شما سراغ ندارم و مطمئن هستم این است که خواهشمندم کمافی‌السابق به کارهای من رسیدگی کنید. چند وقت دیگر شاید تا دو هفته دیگر احمد [شفیق] به تهران خواهد آمد^۳ تا تکلیف زندگی مرا معین کند. در هر حال یک وکالتنامه برای شما از جنوب فرانسه فرستادم که متأسفانه از بین رفت و گم شد. الان هم یکی دیگر به توسط آقای مشرف نفیسی^۴ می‌فرستم. آقای علم فقط می‌خواستم به شما بگویم که نامرتبی و وضعیت پول فرستادن از تهران خیلی بدتر از زمان مصدق است. از بعد از این وقایع تا به حال فقط یک بار برای من پنج هزار دلار حواله شده و واقعاً به طوری وضعیت من بغرنج شده که خودم هم نمی‌دانم چه بکنم. دولت قرار گذاشته که ماهیانه شش هزار دلار برای مخارج بچه‌ها و خودم بفرستد ولی ما فقط قرارش را شنیدیم ولی از خود وجه خبری نیست و من هم تا گردنم زیر قرض است.

فقط از شما چیزی که می‌خواهم سؤال کنم و یک جوابی به من بدهید این است که مگر خیلی سخت است که سر هر ماه برای من پول مرتب بفرستید؟ من هنوز نفهمیدم اشکال فرستادن پول سر چیست؟ آیا طلبهای مرا پرداختید؟ منزل در چه حال است؟ قرار بود اصل چهار آنجا را بخرد اما مثل اینکه دیگر خبری نشده. خلاصه مطلب که خیلی گرفتار و وضعیتم بغرنج شده. آقای رشیدیان هم که حامل دستورات من بودند مثل اینکه هنوز به تهران نرسیدند.

آقای علم خواهشمندم با آقای نخست‌وزیر صحبت کنید شاید این مبلغ شش هزار دلار را بشود سر هر ماه مستقیم خود آنها بفرستند و با شما حساب کنند. شاید بدین وسیله بهتر و مرتب‌تر برسد. من واقعاً نمی‌دانم چه بکنم که این پول مرتب برسد. ۲۰۰ هزار تومان را از آقای امینی پس گرفتید؟ دوست هزار تومان [احمد] سودآور چگونه؟ اجاره منزل که از شهریور سال قبل در اختیار املاک بوده تا دو ماه پیش که

۳. به تهران بیاید.

۴. دکتر حسن مشرف نفیسی وزیر دارایی.

پرداخت نشده بود آیا حالا پرداختید؟ آقای علم واقعاً خودم هم خجلم از این همه کاغذ که می نویسم ولی همه هم بی نتیجه می ماند. در هر صورت انشاءالله که احمد به تهران بیاید و این وضعیت را روشن کند. عجالتاً اگر پول من را مرتب بفرستید خیلی خوب می شود. از خداوند متعال سلامتی و سعادت شما و ملک جون^۵ و بچه ها را خواستارم. بین تمام کارها ما را فراموش نکنید.

اشرف پهلوی

[در ادامه:] آقای علم راجع به ماهیانه دلاری من بهتر است که با احدی صحبت نشود که بعداً ممکن است اسباب زحمت بشود. آقای علم فراموش کردم که راجع به کوکو آقایان بگویم من از این شخص ۶ میلیون و نیم فرانک فرانسه طلبکارم که به هیچ وجه حاضر به دادن نیست. قرار شده که دربار اقدام کند و اگر لازم باشد او را حبس کنند تا این پول را بپردازد. اگر به شما گفت که مبلغی از این پول را پرداخته دروغ است، و من حاضر نیستم یک فرانک از این مبلغ کمتر پس بگیرم. با نخست وزیر صحبت کنید که او را تحت تعقیب قرار دهند و اجازه خروج از ایران را به او ندهند چون که من در اروپا با این مرد هیچ کار نخواهم توانست بکنم مگر در تهران اقدام کند. همچنین خیاطخانه نی نی آقایان، باید یک حسابدار در آن خیاط خانه از خودتان بگمارید که منافع آن خیاطخانه را نصف کنند. باز هم شما را یادآور می کنم که پول ماهیانه و ماه عقب افتاده مرا بفرستید. بسیار متشکر می شوم.

اشرف پهلوی

[۲۲۴۸/۱-۴]

۱۲

HOTEL DE CRILLON

[۱۳۳۲]

آقای علم

امیدوارم که وجود عزیزتان سلامت و با سعادت و خوشی توأم باشید. آقای علم من واقعاً دیگر نمی دانم چه بنویسم و چه بگویم هم خودم خسته شدم و هم همه را خسته کردم. ولی درست یک ماه است که تقریباً هر روز یا تلگراف کردم یا کاغذ نوشتم و پول

۵. ملک تاج قوام همسر اسدالله علم.

خواستم ولی اصلاً مثل اینکه این تلگرافات و کاغذها به کسی نمی‌رسد یا اگر می‌رسد توجهی نمی‌شود. من فقط مقصودم از این کاغذ این است که برای من لااقل بنویسید که دلیل اینکه به تلگرافات و کاغذهای من ترتیب اثر نمی‌دهید و مرا مدت یک ماه است که بدون دیناری در این شهر گذاشته‌اید چیست؟ یا لااقل یک راهی به من نشان بدهید که بتوانم در اروپا خودم و پسر مریضم بدون پول زندگی کنیم. خیلی جای تأسف است که در تهران این طور فکر می‌کنند که انسان می‌شود بی‌پول زندگی کند ولی در اروپا در هر صورت نمی‌شود.

خلاصه آقای علم خواهشمندم بدون درنگ ماهیانه عقب افتاده و ماه جاری را فوراً بفرستید، چون که واقعاً نمی‌دانم دیگر که از کی قرض کنم. از هر کس که ممکن بود قرض کردم و دیگری کسی را نمی‌شناسم. شاید هم دربار میل ندارد که مشکلات زندگی مرا حل کند، در آن صورت هم لااقل به من بگویید تا فکر دیگری بکنم ولی این طور بلا تکلیف گذاشتن با بودن سه بچه خیلی سخت است. امیدوارم این کاغذ هزارم را بدون توجه نگذارید. ملک جون و بچه‌ها را می‌بوسم.

اشرف پهلوی

[۳۲۵۰]

۱۳

HOTEL DE CRILLON

[۱۳۳۲]

آقای علم

چندین کاغذ به شما نوشتم و از این همه مزاحمت معذرت می‌خواهم ولی آیا به من حق می‌دهید؟ مدت یک ماه تمام است که من در شهر پاریس بدون دیناری پول مانده‌ام و واقعاً مستأصل شدم و هرچه هم تلگراف می‌زنم به تهران، به دربار، به نخست‌وزیر، به شما جوابی ندارم و پولی نمی‌رسد. دیگر واقعاً کم مانده یقه‌ام را پاره کنم. تصور نمی‌رود در شهر غربت بی‌پولی تا چه اندازه سخت است. آقای علم دو موضوع را می‌خواستم یادآوری کنم. یکی موضوع طلب من از زاره آقایان و خانم نی‌نی آقایان است که روی هم یکی شش میلیون و نیم فرانک فرانسه است و دیگری ۵۰۰ هزار تومان. زاره آقایان الان در تهران است و این بهترین موقع برای تصفیه حساب من است. دیگری موضوع املاک نصرتیان است که باید متوجه باشید. این شخص مقداری از املاک و مرغوبترین



HOTEL DE CRILLON

N. C. BRINE P. 1162

Paris, le

19 ...

PLACE DE LA CONCORDE

Id. Telyg " CRILLONHOTEL ...

کاسم

عین کافه به شما زانم و از منتهی مزاحمت معذرت
 میجویم. ولی آیا به حق به سیر و مدت کجا نام
 است که من در شهر پاریس بدون دنیا کار و پول
 مانده ام و دواقت سنا قلی به هم در بر چه میگویم که از
 میزنم که طهران به دربار به نخست وزیر به شما
 جواب ندادم و پولی نمانده بود. دیگر دواقت کم مانده
 بده ام به یاد کنم. تقدیر میبرد در شهر غربت
 بی پول تا چه اندازه است. کار علم در عرض
 میجویم یا در یاد کنم. کبھی موصیای طلب من
 از زار آتیه ان و عالم نمی آتیه ان است
 که در بهم کبھی و بیرون دینم فراگرفته

چنانچه در کتاب تاریخ پهلوی آمده است که در زمان اردشیر بابکان
در سال ۳۰۰ هجری قمری در شهر اهواز در زمان حاکم آنجا
که در آنجا در آن زمان در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

است در گذری ۵۰ هزار تومان . زاره آنگاه
لان در گله آن است و این بهترین سطح برای
حساب می‌است . دیگری سرفی املاک قدرتی
است . که باید توجه داشته . این شغلی مقداری
از املاک در مغرب زمین قندهار این املاک
باسم پیرسی کرده و این دعا را در آن مساله
کبیرین و در دست هزار تومان صد هزار تومان
عالم شده . چون در دست هزار تومان که منعم
دستی دارم . در این سطح که کبرانه وصفت
تغذیه کرد . در این صورت در بین عقلمت
پیرانیه اندام که در این افکار املاکی که این
منفی باسم پیرسی کرده . پس باز گردانیده
با آتای رسیده بان کسی بکنه پیر در سطح
خود می‌نهد و صل کند . پس از بر سر

این سالی به بعد نویسنده که از این شغلی پیرسی که به پیش می‌گردد
سالی شاهزاده اردشیر است
۲۲۴۵۱۲
صورتی زردی را با بنفش و زرد صفت یعنی کوشش پیرانیه
سالی شاهزاده اردشیر است
۲۲۴۵۱۲

قسمتهای این املاک را به اسم پسرش کرده و من واقعاً در این معامله یک میلیون و دویست هزار تومان، صد هزار تومان عایدم شده چون دویست هزار تومان هم که خودم دستی دادم. در این موقع که بحمدالله وضعیت تغییر کرده و اعلیحضرت در عین عظمت اند می توانید اقدام کنید و این مقدار املاکی که این شخص به اسم پسرش کرده به من بازگردانید. با آقای رشیدیان تماس بگیرید و موضوع فروش منزل را حل کنید. قبل از هر چیز برای من این ماهیانه دو ماهه را بفرستید که از گرسنگی نمیریم تا ببینیم چه می شود. مخارج پسر و خود من همانطوری که قبل هم نوشتم ۵ هزار دلار در ماه است و من دو ماهه از شما طلبکارم. صورت قروض را با نخست وزیر صحبت کنید و یک ترتیبی بدهید شاید این مبلغ را دولت به ارز پردازد. این تمام ضرری است که من از دولت پیش خوردم پس این دولت موظف است که جبران کند.

اشرف پهلوی

۱۲۲۴۹/۱۱

۱۴

HOTEL DE CRILLON

[آبان ۱۳۳۲]

آقای علم

همین الساعه کاغذ شما رسید و از اینکه بحمدالله سلامتید بسیار خوشوقت شدم. اگر از حال من بخواهید بحمدالله بد نیستم ولی پانزده روز پیش از این در روی کشتی زمین خوردم و قسمت تحتانی ستون فقراتم شکسته و خیلی اذیتم می کند. چون نه می شود گچ گرفت و نه معالجه مخصوصی دارد. خلاصه این هم قوز بالای تمام قوزای دیگر شد. آقای علم خیلی متعجب شدم که در کاغذتان نوشتید که دربار ماهیانه دو هزار دلار برای من می فرستد. چون در زمان مصدق قرار شد برای معالجه بچه و مخارج خودم و بچه ها ماهی چهار هزار دلار بفرستند و در این دولت با آقای [فضل الله] زاهدی صحبت کردم و ایشان قرار گذاشتند ماهیانه پنج هزار دلار ارز دولتی به من بدهند و تا به حال یک دفعه هم همین مقدار یعنی پنج هزار دلار را فرستادند پس درست نمی فهمم موضوع دو هزار دلار چیست.

با نخست وزیر صحبت کنید و ببینید موضوع از چه قرار است، و من به هیچ وجه نمی توانم کمتر از این زندگی خودم را مرتب کنم. در کاغذ قبل صورت قرضهای خودم را فرستادم و از این مقدار که تازه اگر بفرستید قسمت اعظمش به قروض من برود و تازه

چیزی برای خودم نمی‌ماند. در هر حال آنچه که به ماهیانه مربوط است این مقدار است. و اما در این کاغذ شما اصلاً اسمی از طلبهای من از اداره املاک نبردید. قریب ۶۰۰ هزار تومان شاید هم بیشتر با اجاره یک ساله منزل. و من تقاضا کردم که این مبلغ را یک مرتبه بپردازید چون من می‌خواهم یک شرکت تجارتي تشکیل بدهم و احتیاج به یک میلیون پول دارم. در این صورت امیدوارم و از شما خواهش می‌کنم که حالا که شما متصدی امور شدید این مبلغ را از هر مبلغ دیگری جلو انداخته و آن را بپردازید. آنچه که مربوط به پول لاله است البته این قیمت دلار گران که فایده ندارد شما سعی کنید که همان پول را پس گرفته و معامله را فسخ کنید یا دلارها را در بازار آزاد بفروشید. منزل شهری را قرار بود امریکاییها بخرند. آیا آقای رشیدیان وارد تهران شدند یا خیر؟ اگر ایشان آمدند تماس گرفته و این موضوع را حل کنید.

پس آقای علم موضوع اول موضوع پنج هزار دلاری است که ماهیانه مرتب باید فرستاد - با ارز دولتی -

۲. پرداخت طلبهای من از اداره املاک

۳. فروش منزل به امریکاییها

همان طور که گفتم احمد اشفیق | برای مدت یک ماه برای تشکیل این تجارتخانه عازم تهران است. صورت قروض خودم را به تهران فرستادم و امیدوارم که با دولت مذاکره کنید شاید ترتیبی داده شود که این قروض مرا به ارز دولتی بپردازند. زیاده تصدیع نداده کاغذ را به امید دیدارتان خاتمه داده از خداوند متعال سلامتی و سعادت شما را خواهانم. وکالتنامه را هم فرستادم. باز هم تکرار می‌کنم که دو ماه است از تهران پول فرستاده نشده آخرین دفعه ۹ شهریور بوده و حالا باید دو ماهه از قرار ماهی [۱۵] هزار دلار ۱۰ هزار دلار هرچه زودتر بفرستید که خیلی ممنون می‌شوم.

اشرف پهلوی

[۲۲۵۱]

۱۵

HOTEL DE CRILLON

|آبان ۱۳۳۲|

آقای علم

کاغذ شما رسید. از اینکه بحمدالله سلامت هستید بسیار خوشوقت شدم. اگر از حال

من بخواهید جسماً سلامت‌م ولی روحاً بسیار کسلم. وضعیت زندگی من خیلی ناراحت است و انسان وقتی ناراحتی داشته باشد طبیعتاً همیشه کسل و دلتنگ است. نوشته‌اید که دولت ماهی دوهزار دلار بیشتر نمی‌تواند بدهد. تقصیر من چیست که دولت دو هزار دلار می‌دهد؟! من همانطور که به شما گفتم هرچقدر سعی کنم کمتر از ۵ هزار دلار نمی‌توانم خرج کنم. فراموش نکنید که من یک بچه ناخوش و دو بچه دیگر دارم. صورت قروض خودم را که در کاغذ قبل به شما و برای نخست‌وزیر فرستادم. به قدری وضعیت پول نامرتب می‌رسد که اگر هم گاهی از اوقات از تهران پول برسد به قرض می‌رود و باز من برای مدتی می‌مانم بی‌پول و باز هم مجبورم قرض کنم. آقای علم الان که دیگر علیاحضرت مادرم و خواهرم^۶ به تهران برمی‌گردند دیگر کسی در اروپا جز من نمی‌ماند و خوب می‌توانید که از سهمیه دربار ۵ هزار دلار برای من بفرستید. من که نمی‌خواهم در اروپا بمانم ولی اگر بنا باشد اینجا بمانم وضعیت زندگی مرا مرتب کنید والا به هر قیمتی هست به تهران بروم گشت. من گناهی نکردم که باید این همه ناراحتی و زجر بکشم. مراتب را به عرض همایون برسانید و معروض دارید که در غیر این صورت مجبورم به تهران برگردم و حتماً هم بروم گشت چون طلبکاران ممکن است که اسباب بی‌آبرویی برای من فراهم کنند. بیش از دو ماه است که از تهران برای من پولی نرسیده و تازه بنا به گفته خودتان دوهزار دلار طلبکارم. اگر هم دوهزار دلار از لاله گرفتید باید ارز دولتی گرفته و آن حساب را تصفیه کنید. در هر حال من با شما اتمام حجت می‌کنم و خواهشمندم که به عرض مبارک هم برسانید که اگر در ماه مرتب ۵ هزار دلار برای من فرستاده نشود به تهران بروم گشت چون چاره دیگری ندارم.

مطلب دیگر نفهمیدم این صد هزار تومان که از اداره املاک گرفتید از چه حساب است از بابت [ناخوانا] یا کرایه منزل؟ این را برای من روشن کنید. و خواهشی که از شما دارم این است که طلب من را از بابت [ناخوانا] تصفیه کنید و یکباره پردازید چون در غیر این صورت فایده ندارد و این پولها نیز خرج خواهد شد. کوکواقیان را در تحت فشار قرار دهید که شاید این مبلغ را از ایشان در همانجا بگیرید. در باب فروش منزل آیا با آقای رشیدیان صحبت کردید یا خیر. این تنها راه نجات من از این وضع خراب است. صورت قروض را باید از آقای رشیدیان یا از خود نخست‌وزیر بگیرید. در خاتمه از این همه زحمت معذرت خواستم و از خداوند خواهانم که همیشه شما را سلامت و با سعادت نگهدارد که خدمتگزار صدیق و صمیمی شاه و مملکت باشید. ملک جون و

بچه‌ها را می‌بوسم. دلار حواله هم تا به حال نرسیده.

اشرف پهلوی

[۷-۳۲۳-۷۹۴ع]

۱۶

دربار شاهنشاهی

[۱۳۳۲]

طرح نامه صادره از طرف ذات اقدس شاهانه به والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی: خواهر عزیزم، نامه‌های شما همه رسید. از مزده سلامتی مزاجت خوشنودم، ولی خیلی تأسف دارم از اینکه درست متوجه اوضاع و احوال ما نیستی. مگر نمی‌دانی که الان مشغول یک مبارزه شدیدی هستیم؟ تصور نکن که کار تمام شده! و همه چیز مرتب و منظم است و دیگر نگرانی وجود ندارد. تمام حواسمان معطوف تدابیری است برای اعاده وضع آرام و استقرار امنیت و از میان بردن فساد و هو و جنجال. مراجعت آن خواهر عزیز در چنین موقعی مخصوصاً با شروع شدن انتخابات هیچ مصلحت نیست. ممکن است بهانه به عده‌ای ماجراجو داده شود که شما را ناراحت کنند. اگر حالا بیایید مسلماً به شما خوش نخواهد گذشت؛ دیرتر بیایید برای شما چه فرق می‌کند و چه تأثیری دارد؟ نسبت به شما چه غرضی ممکن است داشته باشم؟ صلاح و خیر تمام خانواده را می‌خواهم. دلیلی ندارد بخواهم شما را اذیت بکنم و به تبعیض قائل باشم. اگر مصلحتی در کار نبود مسلماً این‌طور فکر نمی‌کردم. احتیاط را نباید از دست داد. مطمئن باشید وضع شما در آنجا از حال ما در اینجا خیلی راحت‌تر و آسوده‌تر است. با اهتمام علم، همه ماهی [ماهه] چهار هزار دلار ارز دولتی برای مخارجتان برات می‌شود. اگر زیاده‌روی نکنید در زندگانی معاشتان کاملاً به این ترتیب تأمین می‌شود.

و اما راجع به سازمان شاهنشاهی، تعجب می‌کنم چرا این‌طور مضطرب و مشوش و اعلامیه اخیر را سوء تعبیر نموده‌اید. آنچه فکر می‌کنید با حقیقت امر وفق نمی‌دهد. به هیچ وجه جا ندارد تزلزلی به خود راه بدهید. موقعیتتان در این مؤسسه مرهون فعالیت خستگی‌ناپذیر و علاقه و لیاقت خودتان است و کاملاً محفوظ می‌باشد. منظور فقط این بود که محض پیدا کردن مشغولیت برای علیاحضرت مقام خودم را در بنگاه‌های خیریه که ریاست عالی آنها با من است به معظم‌الیها واگذار کنم تا به بازدید این مؤسسات و پذیرفتن هیئتهای مدیره و مطالعه گزارشات از این حالت بی‌کاری و دلتنگی بیرون بیایند و روحیه‌شان قویتر شود. کسانی که به شما غیر از این راپرت داده‌اند یقیناً از روی سوءنیت و غرض بوده است، خواسته‌اند خیالتان را پریشان سازند. اندیشه نداشته باشید



دربار شاهنشاهی

دوخت اشرف پهلوی
دولت شاهنشاهی

یادداشت طرح نامه صادر از طرف ~~...~~ ... ماه ... ۱۳۲۲

~~...~~ ~~...~~ ~~...~~ ~~...~~ ~~...~~ ~~...~~

~~...~~ ~~...~~ ~~...~~ ~~...~~ ~~...~~ ~~...~~

خلی تانف دایم که بیکه دست توجه اوضاع و احوال
مکلفه اند که این شکر است با این همه ...

تمام و بهیچ چیز رتب و تنظیم است و هرگز اگر اند
تا هر چه سال معطوف است بر این اساس ...

و بهیچ در نهایت در این باره بدون فساد و هر دو ضمیمه
رحمت که خواه فرزند در چنین وضعی مکتوبه با شروع

این است بهیچ معلومت نیست ...
ما چرا خود را در ...
بسیار است ...

x در این باره ...
چون ...
دارد ...



دربار شاهی

یادداشت

۳ تاریخ

ماه ۱۳۴

صبح غرضی مکن که در این شب با من ^۱ صبح و خرم تمام خانواده را
 بخواهم. دلیلی ندارد و نخواهم که از دست بکنم و به بعضی کارها
 اگر سعادت در کار نباشد ^۲ منظور نگردد. اگر سعادت ^۳

~~بماند به عهده خداوند است که بر من استوار است~~
 در وقت ^۴ ~~بسیار~~ ^۵ ~~موفق~~ ^۶ ~~و در~~ ^۷ ~~بسیار~~ ^۸ ~~موفق~~ ^۹ ~~و در~~ ^{۱۰} ~~بسیار~~ ^{۱۱} ~~موفق~~ ^{۱۲} ~~و در~~ ^{۱۳} ~~بسیار~~ ^{۱۴} ~~موفق~~ ^{۱۵} ~~و در~~ ^{۱۶} ~~بسیار~~ ^{۱۷} ~~موفق~~ ^{۱۸} ~~و در~~ ^{۱۹} ~~بسیار~~ ^{۲۰} ~~موفق~~ ^{۲۱} ~~و در~~ ^{۲۲} ~~بسیار~~ ^{۲۳} ~~موفق~~ ^{۲۴} ~~و در~~ ^{۲۵} ~~بسیار~~ ^{۲۶} ~~موفق~~ ^{۲۷} ~~و در~~ ^{۲۸} ~~بسیار~~ ^{۲۹} ~~موفق~~ ^{۳۰} ~~و در~~ ^{۳۱} ~~بسیار~~ ^{۳۲} ~~موفق~~ ^{۳۳} ~~و در~~ ^{۳۴} ~~بسیار~~ ^{۳۵} ~~موفق~~ ^{۳۶} ~~و در~~ ^{۳۷} ~~بسیار~~ ^{۳۸} ~~موفق~~ ^{۳۹} ~~و در~~ ^{۴۰} ~~بسیار~~ ^{۴۱} ~~موفق~~ ^{۴۲} ~~و در~~ ^{۴۳} ~~بسیار~~ ^{۴۴} ~~موفق~~ ^{۴۵} ~~و در~~ ^{۴۶} ~~بسیار~~ ^{۴۷} ~~موفق~~ ^{۴۸} ~~و در~~ ^{۴۹} ~~بسیار~~ ^{۵۰} ~~موفق~~

بسیار که ^۱ این ^۲ ~~بسیار~~ ^۳ ~~موفق~~ ^۴ ~~و در~~ ^۵ ~~بسیار~~ ^۶ ~~موفق~~ ^۷ ~~و در~~ ^۸ ~~بسیار~~ ^۹ ~~موفق~~ ^{۱۰} ~~و در~~ ^{۱۱} ~~بسیار~~ ^{۱۲} ~~موفق~~ ^{۱۳} ~~و در~~ ^{۱۴} ~~بسیار~~ ^{۱۵} ~~موفق~~ ^{۱۶} ~~و در~~ ^{۱۷} ~~بسیار~~ ^{۱۸} ~~موفق~~ ^{۱۹} ~~و در~~ ^{۲۰} ~~بسیار~~ ^{۲۱} ~~موفق~~ ^{۲۲} ~~و در~~ ^{۲۳} ~~بسیار~~ ^{۲۴} ~~موفق~~ ^{۲۵} ~~و در~~ ^{۲۶} ~~بسیار~~ ^{۲۷} ~~موفق~~ ^{۲۸} ~~و در~~ ^{۲۹} ~~بسیار~~ ^{۳۰} ~~موفق~~ ^{۳۱} ~~و در~~ ^{۳۲} ~~بسیار~~ ^{۳۳} ~~موفق~~ ^{۳۴} ~~و در~~ ^{۳۵} ~~بسیار~~ ^{۳۶} ~~موفق~~ ^{۳۷} ~~و در~~ ^{۳۸} ~~بسیار~~ ^{۳۹} ~~موفق~~ ^{۴۰} ~~و در~~ ^{۴۱} ~~بسیار~~ ^{۴۲} ~~موفق~~ ^{۴۳} ~~و در~~ ^{۴۴} ~~بسیار~~ ^{۴۵} ~~موفق~~ ^{۴۶} ~~و در~~ ^{۴۷} ~~بسیار~~ ^{۴۸} ~~موفق~~ ^{۴۹} ~~و در~~ ^{۵۰} ~~بسیار~~ ^{۵۱} ~~موفق~~

یادداشت
 در وقت
 بسیار



دربار شاهی

یادداشت

۳ تاریخ ماه ۱۳۲۲

آنکه از برای بخود راه برهید . موقعیت آن در این مرتبه که در هولوگ
 نسیکی ناپذیر و عهدت و لیاقت خودتان آنجا که مخطوطه است . منظور
 فقط این بود که منصف پیدا کردن شغولیت بود در حدیثی که خودم
 در ملا بیگانه رخبره که ریاست عالی آنها این است که معظم بها
 تا به باز در این صورت است و پذیرفتن آنها در این لحظه که در
 در این حالت بدکار و نسیکی بر روی بیاید و در عهدت و لیاقت
 کسی که بشما غیر از این را ایزت داده اند بعد از در صورتی که
 بود است خواهی که خیانت را پرت از سازند . نه که در این
 و به این که تعبیر در سازند شایسته ای دادند و کجا
 کسی قادر نیست لطمه باین مرتبه نهد بزند . همه در در
 این است که آن خدایگر باین شکر و سعادت است .

و بدانید که تغییری در سازمان شاهنشاهی داده نشده و نخواهد شد. کسی قادر نیست لطمه به این مؤسسه مفید بزند. منتهای آرزوی من این است که آن خواهر گرامی همیشه خوش و سلامت باشد.

زیاده قربانت،

[محمدرضا پهلوی]

[۲-۱-۱۲۱-پ]

۱۷

اشرف پهلوی

۲۳ دی ماه ۱۳۳۳

تیمسار سپهبد [فضل‌الله] زاهدی

خیلی متأسفم که چند روزی دچار نقاهت شده‌اید. امیدوارم که چیز مهمی نباشد و به زودی مرتفع گردد. غرض از تصدیع این است که اگر چنانچه به خاطر داشته باشید زمانی که وزارت کشور را عهده‌دار بودید راجع به ازدیاد درآمد سازمان شاهنشاهی با شما مذاکره کردم و شما پیشنهاد کردید که هر وقت قضیه نفت تمام شود می‌توانیم روی صادرات نفتی مبلغی تخصیص به سازمان دهیم. از آن موقع سه سال می‌گذرد و ما با پیچ و تابهای زندگی مواجه و بالاخره با خواست خداوند متعال گرفتاریها برطرف و ما برجا مانده و شما خودتان زمام امور را به دست گرفتید. از آن جناب می‌خواهم که حالا به گفته خود جامه عمل پوشانده و قولی که در سه سال پیش داده بودید عملی کنید. بدین معنی که اصولاً سازمان شاهنشاهی را از این جنبه دولتی خارج و یک صورت ملی به خود بگیرد - عجبالتاً میلیون خیلی مورد نظرند - که هر روز دستخوش حوادث و امیال این و آن قرار نگیرد. و به علاوه بر سرمایه آن افزوده گردد چون واقعاً ما سالهاست که دیگر قدمی جلوتر نگذاشتیم و همان‌طور متوقف مانده‌ایم و حال آنکه به تصدیق همه مردم این سرزمین تنها دستگاهی است که به مردم خدمت و به دردهای واقعی ملت رسیدگی می‌کند. در سرلوحه برنامه شما هم که خدمت به این مردم و مبارزه با [حزب] توده است و این سازمان حربه بر علیه خائنین به این ملک و آب است.

با این مقدمه، خواهشمندم که شما از کمکهای معنوی و شخصی خود فروگذار نکرده و سازمانی را که من با خون و دل [خون دل] بنیاد کرده و اکنون دوازده سال از عمر آن می‌گذرد روبرو به تعالی سوق داده و نگذاریم که خدای ناکرده از بین رفته و یا متوقف بماند. من شخصاً با مقامات مسئول صحبت کردم ولی اگر شخص جناب عالی به آقای وزیر



۱۳۳۳ ۵ ۲۳

تغییر سبب زاده ای.

خبر تا سفر که چند روزی دچار نقابت شده ایم امید دارم که روزهایی نشاند و بزودی
 مرتفع گردد. مرض از لقمه بی اینست که اگر چنانچه سبب را داشته باشد زانکه روز است
 کثیر و عده دار تقسیم راجع به از دیار و در آن زمان در جایی با سارا
 که در دست استند که در آن که بر وقت تقیه نیست تمام شهر و بیرون رودی صادر است
 تقی یعنی تقی یعنی در آن دریم. از آن تاریخ سه سال بعد و در اینجای
 زانکه سراج و بلافاصله با خود است فرادند سوال گرفتار با بر طرف و با بر جانتر
 و سه هفته آن تمام از سه روز است که رفته روز است با میوه ای که حالا به گفته
 همه با کل در سارا و در آنکه در سه سال پیش داد که به کل است
 برین سنی که امر را سارا در جایی که از این جنبه در این خارج و در
 صورت می گویند (مجان که بیرون نمی رود نظارت) که در روز
 دسترس عادت و ایال این دانه قرار نگرفته در جلاد و بر سر آه
 افزوده گردد چون دانه سال است که در هر قدر می خورد و گند و گند
 با نکه شرف ما از این سال آنکه تقیه من به مردم این سوزن سزا
 دستگاریست که مردم خدمت و بهر دایه و اقسای است رسیدگی
 در سواد بر آن سارا که خدمت به مردم و بهر دایه و اقسای است
 در آن زمان سبب را بر علیه فائیس پس ملک و آب است
 این سبب را فرادند که سبب است که ای سبب و شفای خود را از
 کرده و سارا می گوید که سبب را دل پیدا کرده و در آن ۱۳ سال از
 عمر آن سبب را در رویتها و ترقی سرت داد و نگه ای که قدر
 ناکرده از این سبب و یا شرف با تر من شفای با سبب است سبب

صمیمیت کردم ولی اگر شنیدم چنانچه بنامی در زیر دارائی داکتر تلاح و رئیس کهنه کرم
 دستور به پیداکردن این صنعت علاقه مندی را به زود در پهنه وقت خواهر داشت
 غرضی من اینست که در مساعی از حد درستی نفس ایران برای سازمان
 در نظر گرفته شود. قبلاً از ساکنین کرد. و یقین دارم برای پهنه کرم
 سعادت و پهنه وقت کار سازمان است بشاید از این پهنه کرم کسب سعادت
 سوزانیده کرد. در خانه از من آید فردا است هم که هر چه زود در نظر است
 بر طرف که برایم در هم جمع شود.

انتهای


دارایی و دکتر [رضا] فلاح و رئیس کنسرسیون دستور بدهید که به این قسمت علاقه مندید البته زودتر پیشرفت خواهد داشت. غرض من این است که پورساتناژی از صادرات نفتی ایران برای سازمان در نظر گرفته شود. قبلاً از شما تشکر کرده و یقین دارم برای نیل بدین مقصود و پیشرفت کار سازمان شاهنشاهی از هیچ گونه کمکی خودداری نخواهید کرد. در خاتمه از خداوند خواستارم که هرچه زودتر نقاهت شما برطرف [شود] که بتوانیم دور هم جمع شویم.

اشرف پهلوی

[۶۹۰۱]

۱۸

اشرف پهلوی

۶ دی ماه

جناب آقای [حسین] علاء

مدتها است می خواستم بعضی از مطالبی را که جناب عالی چه در محیط و چه در خارج دربار، راجع به من می زنید گوشزد کرده و دلیل پخش این گونه صحبتها را سؤال کنم. در همه موقع در حضور خود من هم شما کمال بی احترامی را به آورده اید تا در روز تشریف فرمایی اعلیحضرت همایونی به فرودگاه که بی احترامی را به حداکثر رسانیده و در جلوی خود و بیگانه تمام طول راه در جلوی من می رفتید بدون اینکه متوجه شوید که من در عقب شما و نخست وزیر هستم. خواستم سؤال کنم یا عمدی است یا غیر عمد؟ اگر عمدی است دلیل می خواهم اگر غیر عمد است از شما که وزیر دربار شاهنشاهی هستید و وظیفه شما حفظ مقام سلطنت است بعید است که با این گونه رفتار زننده باعث توهین به یک فرد مستقیم از فامیل سلطنت که خود نماینده آن هستید بشوید. در هر حال امیدوارم که دیگر از این گونه سوء تفاهات روی ندهد و از حرفهایی که در خارج گفته می شود خودداری کنید والا مجبورم که مراتب را به عرض پیشگاه مبارک برادر تاجدارم برسانم تا معظم الیه [معظم له] به مطالب و حقایق رسیدگی فرمایند.

اشرف پهلوی

[۶۶-۳۲-۷۵۳۳-۷-۶۶]

۱۹

دربار شاهنشاهی
اداره رمز و محرمانه

شماره: ۱۲۰۴

تاریخ: ۱۳۴۸/۱۰/۸

محرمانه - خیلی فوری

جناب آقای هویدا نخست‌وزیر محترم

چون والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی از اوائل فوریه که کمیسیون حقوق بشر در سازمان ملل متحد تشکیل می‌گردد به مناسبت اینکه ریاست این کمیسیون را به عهده دارند به آمریکا تشریف فرما خواهند شد و ناچار باید تا آخرین جلسه کمیسیون روی هم رفته قریب هشت هفته در جلسات آن شرکت فرمایند. هزینه مسافرت معظم‌لها در دفعات گذشته گویا برای یک ماه پنجاه هزار دلار حواله می‌شده؛ این مرتبه به همان نسبت چون مدت دو برابر است مخارج مسافرت را دستور فرمایید حواله نمایند سپاسگزارم

وزیر دربار شاهنشاهی

اسدالله علم

[۷-۴۷-۸۸]

۲۰

دفتر والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

شماره: ۱۵۹۴

تاریخ: ۱۳۴۸/۱۰/۱۳

محرمانه و مستقیم

جناب آقای دکتر [محمود] کشفیان، وزیر محترم مشاور

برحسب فرموده والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی خواهشمند است دستور فرمایند مبلغ یکصد هزار دلار که قرار است برای هزینه والا حضرت معظم‌لها پرداخت گردد به وسیله بانک ملی ایران به حساب معظم‌لها در بانک نیویورک Irving Trust Company 'Wall Street' 1 منتقل نمایند که برای هزینه دو ماهه معظم‌لها و همراهان مورد استفاده قرار گیرد.

رئیس دفتر والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

[۷-۴۷-۸۹]



دفترو کلا حضرت شاه پخت اشرف پهلوی

مکرمه

شماره ۱۵۹۴
تاریخ ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۴۸

عزت کرامت لعل خان درویش

بدرود...
دکتر...
منظم...
این درود...

IRVING TRUST COMPANY
WALL STREET 1

منظم...
منظم...

Handwritten signature

۷-۴۷-۸۹

۲۱

نخست‌وزیری

اداره حفاظت

از: سنت موریتس به تاریخ ۱۳۵۳/۱۱/۲۳ شماره ۱-۷۸-۲۰۴/م

تیمسار سپهبد دکتر [عبدالکریم] ایادی

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی می‌فرمایند برای مخارج مسافرت و شرکت معظم‌لها در کمیته مشورتی کنفرانس بین‌المللی سال زن که در ماه مارس در نیویورک تشکیل می‌گردد و همچنین کنفرانس بین‌المللی سال زن که در ماه ژوئن در مکزیک برگزار می‌شود مبلغ پانصد هزار دلار مورد احتیاج می‌باشد.

چون شاهنشاه آریامهر مقرر فرموده‌اند در مسائل مربوط به خاندان جلیل سلطنت همیشه قبلاً از پیشگاه مبارکشان کسب اجازه شود لذا خواهشمند است مراتب را به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسانیده اوامر مطاع همایونی را ابلاغ فرمائید.

امیرعباس هویدا

[۱۱۶۶/۱]

۲۲

وزارت امور خارجه

اداره رمز

سری

از سنت موریتس به تاریخ ۱۳۵۳/۱۱/۲۵ شماره ۲۶۷۷۲

جناب آقای هویدا، نخست‌وزیر

۱-۷۸-۲۰۴/م - اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر پس از قرائت گزارش مربوط به مخارج سفر والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی فرمودند البته این مبلغ به نظر زیاد می‌آید مگر هر کنفرانسی چند روز طول می‌کشد. ۱۳۵۳/۱۱/۲۵-۲۳۴

سپهبد دکتر ایادی

[۱۱۶۶/۲]

۲۳

نخست‌وزیر

تیسار سپهبد دکترا یادی

۳۳۴ مورخ ۵۳/۱۱/۲۵ خواهشمند است مراتب زیر را به شرف عرض مبارک ملاحظه
برسانید: چون رقم فیش شده مربوط به مخارج تمام مسافرتهاى والا حضرت شاهدخت
اشرف پهلوی در سال ۱۹۷۵ می باشد چاکر استدعا دارد اگر اراده سنیه
ملوکانه تعلق گیرد تصویب فرمایند. ۱۸-۱-۲۰۴/م

۵۳/۱۱/۲۶

امیرعباس هویدا

[۱۶۶/۳]

۲۴

وزارت امور خارجه

اداره رمز

سری

از سنت موریتس به تاریخ ۵۳/۱۱/۲۹ شماره ۲۷۰۱۴

جناب آقای هویدا نخست‌وزیر

۱۸-۱-۲۰۴/م - اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در مورد رقم مخارج تمام

مسافرتهاى والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی فرمودند اگر برای تمامشان باشد

مانعی ندارد ولی نه برای دو کنفرانس. ۵۳/۱۱/۲۸-۳۹۲

سپهبد دکترا یادی

[۱۶۶/۴]

۲۵

نخست‌وزیر

محرمانه

جناب آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی

در اجرای اوامر مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر چک شماره

۶۷۴۰۰۱ به مبلغ سی و سه میلیون و هشتصد و هفتاد و پنج هزار - ۳۳۸۷۵۰۰۰ - ریال هم



نخست وزیر

مستشار **مانند** *طیغ منزه*

تاریخ ۲۱/۱۱/۱۳۵۳
شماره ۱۰۰۰
پیوست

جناب آقای علم
وزیر دربار شاهنشاهی

در اجرای اوامر مطاع مبارک اعلیحضرت ۵۰۰ میلیون
شاهنشاه آریامهر چنانچه شماره ۶۷۴۰۰۱ به مبلغ
سی و سه میلیون و هشتصد و هفتاد و پنج هزار
(۳۳۸۷۵۰۰۰) ریال هم ارزریالی پانصد هزار
دلار جهت هزینه‌های مربوط به مسافرت‌های سال ۱۹۷۵
والاحضرت شاهنشاه نخست انصرف پهلوی بخارج از کشور
به پیوست ایفاد میگردد ، خواهشمند است دستوری
فرمائید وصول وجه را اعلام فرمایند .

امیرعباس هویدا

*درفت جهت استفسار ضابطه از روی بفرستند
دلالهت تا بدقت اترف لایحه ارائه گیرند*

ارز ریالی پانصد هزار دلار جهت هزینه‌های مربوط به مسافرت‌های سال ۱۹۷۵
والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به خارج از کشور به پیوست ایفاد می‌گردد.
خواهشمند است دستور فرمائید وصول وجه را اعلام فرمایند.

امیرعباس هویدا

[۱۶۶/۶]

۲۶

دربار شاهنشاهی

شماره: ۱۰۱/۹

تاریخ: ۵۳/۱۲/۶

محرمانه

جناب آقای هویدا نخست‌وزیر

عطف به مرقومه شماره ۴-۲۰۱/م مورخ ۱۳۵۳/۱۱/۳۰ بدین وسیله وصول چک
شماره ۶۷۴۰۰۱ به مبلغ - ۳۳/۸۷۵/۰۰۰ - سی و سه میلیون و هشتصد و هفتاد و پنج
هزار ریال هم‌ارز ریالی پانصد هزار دلار را با اظهار تشکر اعلام می‌دارد.

وزیر دربار شاهنشاهی

[۴-۳۲-۵۵۴ الف]

۲۷

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیشکاری

شماره: ۹۹۰

تاریخ ۲۵۳۵/۶/۳

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر

محترماً استدعا دارد مقرر فرمایید میزان پانصد هزار دلار برای مخارج مسافرت‌های
رسمی والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی و همراهان به پاریس و آمریکا جهت
شرکت در یونسکو و سازمان ملل به مدت چهار ماه به این پیشکاری پرداخت نمایند که
پس از پایان مسافرت‌های مزبور صورت ریز هزینه‌های انجام شده تقدیم گردد.

با تقدیم احترام

غلامرضا گل‌سرخی

پیشکار والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

[۱۱۷۰/۱]

۲۸

نخست‌وزیر

تصویب‌نامه هیئت وزیران

وزارت امور اقتصادی و دارایی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۵۳۶/۴/۲۰ تصویب نمودند مبلغ سی و پنج میلیون و سیصد و هفتاد و پنج هزار - ۳۵/۳۷۵/۰۰۰ - ریال هم‌ارز ریالی پانصد هزار - ۵۰۰/۰۰۰ - دلار هزینه‌های مسافرت والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به کشورهای فرانسه و آمریکا جهت شرکت در یونسکو و سازمان ملل متحد از محل اعتبار سال جاری دولت تأمین و در اختیار امور مالی دربار شاهنشاهی گذارده شود. اصل تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست‌وزیر

هادی هدایتی

۱۱۷۰/۶۱

۲۹

نخست‌وزیری

شماره: ۴-۲۰۱/م

تاریخ: ۲۵۳۷/۴/۲۱

پیوست: چک

پیشکاری والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

عطف به نامه شماره ۳۵۸۲ مورخ ۲۵۳۷/۴/۳۱ درباره مسافرت والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به کشورهای فرانسه، برزیل، نروژ، شوروی، آمریکا، چک شماره ۶۱۶۶۱۷ به مبلغ هشتاد و چهار میلیون و هفتصد و بیست هزار - ۸۴/۷۲۰/۰۰۰ - ریال هم‌ارز ریالی یک میلیون و دویست هزار دلار بابت هزینه‌های مربوط به پیوست ایفاد می‌گردد. خواهشمند است وصول چک را اعلام فرمایند.

معاون نخست‌وزیر

علی فرشچی

۱۱۷۴/۱۱